

کتابخانه
کتابخانه

شیعه شناسی - ۳

مفاهیم
روشن (ولفند برهه)

ابراهیم منهج (دستی)

کارنامه سیاسی امام علی (ع)
در نوح البلاغه

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

فهرست

- مقدمه: بحث دیگری درباره سند نهج البلاغه ۱۰
- چرا بیانات روایت شده از امام (ع) در نهج البلاغه در زمان خود او تألیف نشد؟ ۱۰
- چرا احادیث روایت شده از حضرت رسول (ص) در زمان خود او تألیف نشد؟ ۱۲
- چرا احادیث روایت شده از امامان شیعه (ع) در زمان خود آنها تألیف نشد؟ ۱۶
- تحقیق در نهج البلاغه برای استنباط پاسخ این سؤالات ۲۰
۱. در خطبه ۱ ۲۱
۲. در خطبه ۱۷ ۲۱
۳. در خطبه ۱۸ ۲۲
۴. در خطبه ۸۷ ۲۳
۵. در خطبه ۹۱ ۲۴
۶. در خطبه ۲۱۰ ۲۴
۷. در خطبه ۲۲۲ ۲۵
۸. در خطبه ۲۳۹ ۲۶
۹. در حکمت ۹۸ ۲۶
۱۰. در وصیت نامه امام (ع) به امام حسن (ع) ۲۷
۱۱. در حکمت ۳۱ ۲۹
۱۲. در حکمت ۹۲ ۳۰
۱۳. در حکمت ۱۰۵ ۳۰
۱۴. در حکمت ۳۳۸ ۳۰
۱۵. در حکمت ۱۴۷ ۳۰

- اشاره‌ای به اصل و قاعده سمحی سهله بودن احکام اسلام ۳۱
- نتایج حاصله از مطالب فوق ۳۲
۱. لازمه سمحی سهله بودن اسلام ۳۲
۲. علم و معرفت مورد نظر امام (ع) ۳۳
۳. منبع علم در نظر امام (ع) کتاب خداست ۳۳
۴. روش تحصیل علم و معرفت از نظر امام (ع) ۳۴
۵. منظور از تعمق در جمله «و الکفر علی أربع دعائم...» در حکمت ۳۰ ۳۵
۶. نقش عترت و اهل بیت ۳۵
۷. میزان تکیه بر حدیث ۳۶
- نکات برجسته‌ای از کارنامه سیاسی علی (ع) ۳۷
- الف. نکات برجسته‌ای از سیاست او پیش از به دست گرفتن خلافت ۳۷
۱. خودداری از سبقت گرفتن برای خلافت ۳۷
۲. امتناع از بیعت با ابوبکر و بعد بیعت با او به خاطر حفظ اسلام ۳۷
۳. همکاری فکری با خلفا در مسائل سیاسی و فقهی ۳۸
۴. تقدیر از کارهای مثبت خلفا ۳۸
۵. گذشت از حق خود و بیعت با عثمان ۳۹
۶. سعی در اصلاح بین عثمان و مخالفان او ۳۹
۷. اتمام حجت وقتی بعد از قتل عثمان آمدند با او بیعت کنند ۴۰
- ب. نکات برجسته‌ای از سیاست علی (ع) در زمان خلافت ۴۰
۱. استناد به انتخاب و بیعت مردم برای دفاع از مشروعیت خلافت خود ۴۰
۲. هدف امام (ع) از حکومت ۴۲
۳. مصادره قطاق عثمان در اولین قدم برای اجرای عدالت ۴۴
۴. رفع تبعیض و ایجاد برابری در حقوق از بیت‌المال ۴۴
۵. حذف بذل و بخشش‌های خلیفه از بیت‌المال ۴۷
۶. استکبارستیزی ۴۸
۷. ساده‌زیستی ۵۰
۸. جلوگیری از تشریفات ۵۱
۹. جلوگیری از ستایش و تعظیم و تجلیل نسبت به خود ۵۱
۱۰. ابعاد و آثار عمیق عدالت اجتماعی مورد نظر امام (ع) ۵۲
۱۱. از مردم می‌خواست که انتقاد و نظرات خود را به او بگویند ۵۴

۱۲. تبری از سیاست‌کاری ۵۴
۱۳. مخالفت شدید با نظریه (هدف واسطه را توجیه می‌کند) ۵۴
۱۴. زیر نظر گرفتن عمال و کارگزاران خود ۵۵
۱۵. برخورد قاطع با متخلفان ۵۶
۱۶. عدم توقع اطاعت مطلق از مردم ۵۷
۱۷. عدم تحمیل نظر خود بر دیگران ۵۸
۱۸. عدم تسلیم در برابر تقاضای باطل خوارج ۵۹
- شرح و تفسیر خطبه‌ها و نامه‌های امام (ع) که مبین سیره و روش سیاسی او است ۶۱
۱. خطبه ۱۵. درباره قطاق عثمان که آنها را مصادره کرد ۶۱
۲. خطبه ۲۰۵. بیاناتی که بعد از بیعت طلحه و زبیر با آنها صحبت کرده ۶۱
۳. نامه ۷۰. به سهل بن حنیف که عامل او بر مدینه بود ۶۷
۴. خطبه ۱۲۶. زمانی که به خاطر مساوی قرار دادن حقوق به او انتقاد شد ۶۹
۵. خطبه ۲۲۴. درباره تبری از ظلم و ردّ خواهش عقیل و ردّ هدیه ۷۱
۶. خطبه ۲۳۲. ردّ خواهش عبدالله بن زعه که از شیعیان او بود ۷۵
۷. نامه ۴۳. به مصقله بن هبیره شیبانی عامل او بر اردشیر کوره ۷۶
۸. خطبه ۴۴. زمانی که مصقله بن هبیره به سوی معاویه گریخت ۷۸
۹. خطبه ۲۰۹. وقتی که به عیادت علاء بن زیاد حارثی رفته بود و نهی برادر او عصام بن زیاد یا ربیع بن زیاد از ریاضت و رهبانیت ۷۹
۱۰. بخشی از خطبه ۱۶۰. لباس وصله‌دار برای من بهتر است ۸۲
۱۱. خطبه ۲۱۶. درباره حقوق متقابل حاکم و مردم و نهی از تکلف و تقاضای انتقاد ۸۳
۱۲. خطبه ۷۱. گذشت از حق خود در خلافت به خاطر حفظ وحدت و زهد در دنیا ۹۷
۱۳. خطبه ۹۲. امتناع از قبول خلافت و اعلام اطاعت و همکاری با خلیفه دیگر ۱۰۰
۱۴. خطبه ۳۳. حکومت ارزشی ندارد مگر برای احقاق حق و دفع باطل ۱۰۷
۱۵. خطبه ۴۱. سیاست‌بازی غیر از تدبیر و چاره‌اندیشی است ۱۱۰
۱۶. خطبه ۲۰۰. معاویه از من باسیاست‌تر نیست بلکه او سیاست‌باز است ۱۱۲
۱۷. نامه ۵. به اشعث بن قیس وقتی که والی آذربایجان بود ۱۴۲
۱۸. خطبه ۱۹. سرکوب اشعث بن قیس در حین سخنرانی وقتی که به او اعتراض کرد ۱۴۳
۱۹. نامه ۱۹. به یکی از والیان خود درباره رعایت حال غیر مسلمین ۱۴۷
۲۰. نامه ۲۵. دستوری برای مأمورین جمع زکات که متضمن نکات دقیقی است ۱۴۸
۲۱. نامه ۲۶. به یکی از عاملان خود که مأمور جمع زکات شده بود ۱۵۲

- ۲۲: نامه ۲۰ به زیاد بن ابیه وقتی که قائم مقام عبدالله بن عباس والی بصره بود ۱۵۵
- ۲۳: نامه ۲۱ به زیاد بن ابیه ۱۵۶
- ۲۴: نامه ۴۴ به زیاد بن ابیه وقتی که معاویه خواست او را به عنوان برادر به خود ملحق نماید و جریان الحاق زیاد به ابوسفیان ۱۵۷
- ۲۵: نامه ۳۳ به قثم بن عباس والی مکه درباره نفوذ جاسوسان معاویه در بین حجاج ۱۵۹
- ۲۶: نامه ۶۷ به قثم بن عباس والی مکه درباره برگزاری مراسم حج ۱۶۱
- ۲۷: نامه ۲۷ به محمد بن ابی بکر وقتی که او را به حکومت مصر منصوب نمود ۱۶۴
- ۲۸: نامه ۳۴ به محمد بن ابی بکر که از عزل خود و اعزام مالک اشتر به جای او ناراحت شده بود ۱۷۰
- ۲۹: نامه ۳۵ به عبدالله بن عباس درباره شهادت محمد بن ابی بکر و اشغال مصر ... ۱۷۲
- ۳۰: نامه ۳۸ به اهل مصر وقتی که مالک اشتر را به آنجا منصوب نمود ۱۷۴
- ۳۱: نامه ۴۰ در تویبیح یکی از کارگزاران خود ۱۷۶
- ۳۲: نامه ۴۱ در تویبیح یکی از عمال خود که گفته شده عبدالله بن عباس بوده ۱۷۷
- ۳۳: نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف که به شرکت او در یک مهمانی اشرافی اعتراض کرده ۱۸۲
- ۳۴: نامه ۴۶ چند تذکر به یکی از عمال خود ۱۹۷
- ۳۵: نامه ۴۷ وصیت به بنی عبدالمطلب بعد از ضربت ابن ملجم ۱۹۹
- ۳۶: نامه ۵۰ به فرماندهان مناطق مرزی و اشاره به حقوق آنها بر خود ۲۰۰
- ۳۷: نامه ۵۱ به مأمورین جمع آوری خراج یعنی عایدات زمین های کشاورزی دولتی ۲۰۴
- ۳۸: نامه ۵۹ به عامل منطقه حلوان ۲۰۶
- ۳۹: نامه ۶۰ به عمالی که سپاه او از منطقه تحت حکومت آنها عبور می کرد ۲۰۸
- ۴۰: نامه ۶۱ تویبیح کمیل بن زیاد که به خاطر حمله به یک منطقه تحت حکومت معاویه محل مأموریت خود را رها ساخته بود ۲۱۰
- ۴۱: نامه ۷۱ تویبیح عامل خود منذر بن جارود که به بیت المال خیانت کرده بود ۲۱۲
- ۴۲: نامه ۷۶ تذکراتی به عبدالله عباس وقتی که او را به حکومت بصره منصوب کرد ۲۱۴
- ۴۳: نامه ۷۹ به والیان مناطق تحت حکومت خود وقتی که به خلافت انتخاب شد ۲۱۴
- ۴۴: نامه ۵۳ عهدنامه مالک اشتر ۲۱۵
- توضیحات عهدنامه مالک اشتر ۲۳۲
۱. توضیح مختصری درباره مصر ۲۴۶
۲. توضیح مختصری درباره مالک اشتر ۲۴۷
۳. یک اشتباه عجیب ۲۴۸

۴. اهداف و وظایف حکومت ۲۴۹
۵. اهمیت تعهد و التزام به وظایف ۲۴۹
۶. متمرکز شدن در مسئولیت با تمام وجود ۲۵۰
۷. مهار کردن نفس ۲۵۱
۸. اهمیت نظرسنجی ۲۵۲
۹. اصل محبت به همه ملت حتی غیر مسلمانان و گذشت از خطاهای آنها ۲۵۳
۱۰. درگیری با مردم به معنی درگیری با خداست ۲۵۴
۱۱. از غفو مجرمین پشیمان نشو ۲۵۴
۱۲. از مجازات مجرمین شادمان نشو ۲۵۴
۱۳. پرخاش قابل توجیه را مجازات نکن ۲۵۵
۱۴. باد ریاست را از دماغ خود بیرون نما ۲۵۵
۱۵. خودبزرگ بینی به معنی رقابت با خدا است ۲۵۶
۱۶. حق مردم را از خود و بستگان خود بگیر و به آنها ادا کن ۲۵۷
۱۷. عامل عمده تغییر نظام یا شکست آن ۲۵۷
۱۸. ترجیح مصالح اکثریت بر مصالح خواص ۲۵۸
۱۹. خواص توقع بیشتر دارند و کارایی کمتر ۲۵۹
۲۰. اهمیت ستر عیوب مردم ۲۵۹
۲۱. اجرای حدود در حد ضرورت است ۲۶۰
۲۲. اعتماد به مردم را یک اصل قرار بده ۲۶۰
۲۳. شرایط مشاورین ۲۶۱
۲۴. شرایط وزراء و معاونان ۲۶۲
۲۵. ترجیح معاونان منتقد بر سایرین ۲۶۳
۲۶. دوستان خود را عادت بده که تو را ستایش نکنند ۲۶۴
۲۷. یک اصل مهم تربیتی ۲۶۴
۲۸. اهمیت جلب اعتماد مردم ۲۶۵
۲۹. تغییر سنت های حاکمان پیش از خود را اصل قرار نده ۲۶۷
۳۰. رقابت حاکمان جدید با حاکمان پیش از خود ۲۶۷
۳۱. اهمیت مذاکره با اهل نظر ۲۶۹
۳۲. تقسیم اقشار جامعه به هفت قشر ۲۶۹
۳۳. نیاز و وابستگی این اقشار به یکدیگر ۲۷۰

۳۴. تأمین بودجه نیروی نظامی و انتظامی از عایدات زمین‌های کشاورزی دولتی ۲۷۰
۳۵. کارمندان و حقوق‌بگیران ۲۷۱
۳۶. همه این اقشار بر حاکم حق دارند ۲۷۲
۳۷. دستورات امام (ع) درباره نیروهای مسلح ۲۷۲
۳۸. شرایط گزینش فرماندهان نیروهای مسلح ۲۷۲
۳۹. اشاره‌ای به نحوه آموزش نظامی در آن زمان ۲۷۳
۴۰. اشاره‌ای به برخی اختیارات حاکمان مناطق در آن زمان ۲۷۳
۴۱. ایجاد ارتباط نزدیک با نخبگان نیروهای مسلح ۲۷۴
۴۲. نقش خانواده و طایفه در تربیت افراد در آن زمان ۲۷۴
۴۳. تأمین احتیاجات نیروهای مسلح ۲۷۵
۴۴. یک جمله معترضه ۲۷۶
۴۵. تقدیر از فعالیت‌های برجسته‌ی نیروهای مسلح ۲۷۷
۴۶. دقت و عدالت در تعیین درجات و مراتب نیروهای مسلح ۲۷۷
۴۷. معنی آیه «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أُولی الأمر منکم» ۲۷۸
۴۸. شرایط قاضیان ۲۸۱
۴۹. نظارت بر قضاوت قاضیان ۲۸۲
۵۰. نحوه انتخاب کارگزاران ۲۸۳
۵۱. مجازات کارگزاران متخلف ۲۸۴
۵۲. اصلاح کشاورزی و رسیدگی به امور کشاورزان ۲۸۵
۵۳. منشیان و متصدیان امور دفتری ۲۸۷
۵۴. توجه به بازرگانان و صنعتگران ۲۸۸
۵۵. نقدی بر دیدگاه اقتصادی ۲۹۰
۵۶. اقتصاد آستن تغییراتی است ۲۹۰
۵۷. رسیدگی به محرومان ۲۹۱
۵۸. رسیدگی مستقیم به شکایات ۲۹۲
۵۹. التزام به عبادت خاص ۲۹۴
۶۰. اهمیت نمازهای شبانه‌روزی ۲۹۵
۶۱. رعایت حال اضعف مأمومین در نماز جماعت ۲۹۵
۶۲. خطر ترویج خرافات به بهانه رعایت حال اضعف مأمومین در عصر حاضر ۲۹۵
۶۳. فاصله گرفتن حاکم از مردم او را منحرف می‌کند ۲۹۶

۶۴. ریشه فساد اداری و راه علاج آن ۲۹۸
۶۵. حق را درباره همه اجرا کن به هر قیمت که تمام شود ۳۰۰
۶۶. نگذار مردم بدگمان شوند ۳۰۱
۶۷. چند نکته درباره قرارداد صلح با دشمن ۳۰۱
- الف. پذیرش صلح ۳۰۱
- ب. احتیاط بعد از صلح ۳۰۲
- ج. التزام به صلح و وفای به آن ۳۰۲
- د. وجوب وفای به عهد مورد اتفاق بین همه ادیان و ملل است ۳۰۲
- ه. احترام عهد و پیمان اختصاص به دین و ملتی ندارد ۳۰۳
- و. متن پیمان باید صریح و غیر قابل تأویل باشد ۳۰۳
- ز. عدم جواز نقض پیمان با تأویل معنی متن آن ۳۰۳
- ح. عدم جواز نقض پیمان برای خروج از مضیقه ۳۰۴
- ط. آیا وجوب وفا به پیمان صلح با دشمن، با وجوب جهاد ابتدایی سازگار است؟ ۳۰۴
- ک. نهی از قتل نفس به خاطر حفظ حکومت ۳۰۷
- ل. عدم خودداری از پرداخت دیه در قتل عمد ۳۰۸
- چند دستور اخلاقی و سیاسی مهم ۳۰۸
- الف. هشدار از خودپسندی ۳۰۸
- ب. هشدار از منت‌گذاری، بزرگ‌نمایی خدمات و عدم وفا به وعده ۳۰۹
- ج. تدبیر در امور ۳۱۰
- د. نهی از به خود اختصاص دادن چیزهای عام‌المنفعه ۳۱۱
- ه. نهی از خشونت ۳۱۲
- اجتهاد با تجرید از خصوصیات زمانی و مکانی ۳۱۳
- شروط الگو قرار دادن سیره امام (ع) و استفاده از این عهدنامه ۳۱۳
- دعای برای تحصیل رضایت خدا و مردم و حسن شهرت و عاقبت به خیری ۳۱۵
- حکمت‌های مربوط به این بخش یعنی کارنامه سیاسی ۳۱۵

عین حال به نوشتن و جمع‌آوری و تألیف آنها پرداختند که نسل‌های بعدی بتوانند از آنها استفاده نمایند.

یکی از شواهد این امر مطلبی است که در حکمت ۲۶۶ آمده، حکمت ۳۱ (الایمان علی أربع دعائم) پاسخ به تقاضای کسی بوده که از امام (ع) خواسته بود ایمان را برای او تعریف نماید و امام (ع) به او گفته فردا بیا تا در محضر عموم ایمان را برای تو تعریف نمایم تا اگر تو گفته مرا فراموش کنی دیگری آن را حفظ کند و فرموده کلام مانند یک شیء گریزان است، یکی آن را از دست می‌دهد و دیگری آن را به چنگ می‌آورد.

معنی این کلام این است که خود امام (ع) گاهی در صدد این برآمده که مطالبی که بیان می‌کند از دست نرود و فراموش نشود و خطر فراموش شدن و ضایع شدن را احساس می‌کرده ولی در عین حال تقاضا نکرده که مطالب او نوشته و گردآوری شود. این جریان بدون هیچ ابهامی این مطلب را روشن می‌کند که نوشتن آن بیانات و ثبت آن در دفتر برای نگهداری آن برای نسل‌های آینده به هیچ وجه مطرح نبوده است.

ابن ابی‌الحدید در شرح خطبه ۸۷ (إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ) درباره اهمیت این خطبه و امثال آن مطلبی نوشته که خلاصه آن چنین است:

«چنین مطالبی در ذهن هیچ عربی خطور نکرده حتی خواص آنها بلکه اگر کسی در صدد این برآمده بود که این مطالب را به آنها بیاموزد هم قدرت درک و فهم آن نداشتند».

بنابراین اهمیت این مطالب و بی‌بدیل و بی‌نظیر بودن آنها و نیاز نسل‌های آینده به آنها یک مطلب واضح و آشکار بوده ولی در عین حال برای ثبت و ضبط آنها و نوشتن آنها در یک کتاب هیچ اقدامی صورت نگرفته، حتی اینکه در این زمینه هیچ ادعایی هم از سوی کسی مطرح نشده است.

توجه: همان‌طور که در اثناء کلام به آن اشاره شد منظور این است که چرا این‌گونه بیانات - که در نظر شیعه - تالی تلوقرآن محسوب می‌شود، چرا مانند قرآن در یک یا چند جلد نوشته و تألیف نشد که در همه اعصار و قرون، مانند قرآن قطعی‌السنند باشد و در اختیار عموم قرار گیرد؟ بنابراین، وجود نوشته‌هایی به نام جفر و جامعه و کتاب علی که در بعضی اخبار آحاد نقل شده و معنی آنها هم به درستی روشن نیست، بر فرض صحت از موضوع این بحث خارج است چون آن کتاب‌ها در دسترس عموم قرار نگرفته و هر چه بوده نزد خود امامان (ع) بوده است.

مطلب دیگر این است که هر چند آشکار کردن چنین کتابی از امام (ع) در زمان خلفای بنی‌امیه خطرناک و غیر مقدور بود همان‌طور که عده‌ای از دوستان خاص امام (ع)

مقدمه

بحث دیگری درباره سند نهج البلاغه

چرا بیانات امام (ع) در نهج البلاغه در زمان خود او نوشته و تألیف نشد؟

همان‌طور که در مقدمه جلد اول یعنی خلافت و امامت در نهج البلاغه ضمن بحث درباره سند بیانات منسوب به امام (ع) در نهج البلاغه، اشاره شد، غیر از قرآن کریم هیچ کتابی وجود ندارد که همه مطالب مندرج در آن قطعی‌الصدور باشد نه نهج البلاغه و نه غیر آن. و در همان جا توضیح دادیم که روش ما در استناد به نهج البلاغه برای اثبات یا نفی هر مطلب به این نحوه نیست که هر یک از جملات آن را یک سند مسلم به حساب آوریم بلکه تکیه و استناد ما به مطالبی است که به طور متواتر ولو تواتر معنوی و اجمالی در نهج البلاغه تکرار شده باشد یا مطابق قرآن کریم باشد یا شواهد مسلم تاریخی و علمی صحت آن را تأیید نماید. در غیر این سه مورد ملتزم به مفاد آن نیستیم و به آن استناد نمی‌کنیم. هر چند که هر جمله را در جای خود توضیح دهیم چون توضیح مفاد هر جمله لزوماً به معنی پذیرش مفاد آن نیست.

در اینجا به مطلب دیگری در ارتباط با سند نهج البلاغه می‌پردازیم و آن این است که چرا و به چه دلیل مطالب مندرج در نهج البلاغه و سایر بیانات امام (ع) در زمان خود او نوشته و در یک کتاب تألیف نشد که مطالب آن بدون دغدغه در سند یا احتمال دخل و تصرف در همه اعصار مورد استفاده قرار گیرد؟ با این‌که اکثر خطبه‌ها و تمام نامه‌های حضرت امام (ع) که در نهج البلاغه آمده در زمان خلافت او، و در کوفه بیان و صادر شده و در آن زمان مسلمین در اثر اختلاط با ملت‌های متمدن با تألیف کتاب آشنا شده بودند و علاوه بر خود امام (ع) بسیاری از دوستان او به اهمیت این مطالب توجه داشتند ولی در